



آثار علمی امام صادق(ع)

نامه امام به نجاشی والی اهواز که به نام رساله عبد الله بن نجاشی شهرت دارد.

1 - نامه امام به نجاشی والی اهواز که به نام رساله عبد الله بن نجاشی شهرت دارد.

نجاشی مؤلف رجال گوید که وی به جز این رساله، تصنیف دیگری از امام صادق (ع) ندیده است. اما می‌توان نظر نجاشی را چنین توجیه کرد که این تنها اثری است که به دست امام صادق (ع) تدوین شده و باقی آثار از جمله چیزهایی است که توسط راویان آن حضرت جمع آوری شده است.

2 - رساله‌ای از آن حضرت که صدوق در کتاب خصال آن را ذکر کرده و سندش را از اعمش به امام صادق رسانیده است. این نامه حاوی احکام اسلامی از قبیل وضو و غسل و انواع آنها و نماز و اقسام آن و زکات، زکات مال و زکات فطره، و حیض و صیام و حج و جهاد و نکاح و طلاق، صلوات بر پیامبر (ص) و دوستی اولیای خدا و برائت از دشمنان خدا و نیکی به پدر و مادر و حکم متعه ازدواج و حج و احکام اولاد و کردار بندگان و جبر و تفویض و حکم کودکان و عصمت پیامبران و ائمه و مخلوق بودن قرآن و وجوب امر به معروف و نهی از منکر و معنای ایمان و عذاب قبر و بعث و تکبیر در عید فطر و قربان و احکام زنی که وضع حمل کرده و احکام خوردنیها و نوشیدنیها و صید ماهی و قربانی و گناهان کبیره و مسائلی از این قبیل، می‌باشد.

3 - کتابی در توحید که به خاطر نام روایتگر آن توحید مفضل نام دارد. این کتاب در رد دهریون و اثبات خداوند جزو بهترین کتابها به شمار می‌رود و تمام آن در ضمن بحار الانوار موجود است. همچنین این کتاب به صورت جداگانه با چاپ سنگی در مصر به چاپ رسیده است. و بنابر آنچه در مجله المقتبس خوانده‌ام این کتاب در استانبول هم به چاپ رسیده که هنوز آن را ندیده‌ام.

4 - کتاب اهللیجة، این کتاب هم به وسیله مفضل بن عمر روایت شده و در ضمن بحار الانوار موجود است. در مقدمه بحار آمده است که سیاق کتابهای توحید (مفضل) و اهللیجة بر صحت آنها دلالت دارد.

سید علی بن طاوس در کشف المحجة لثمره المهجه در آنجا که فرزندش را سفارش می‌کند، گوید: به کتاب مفضل بن عمر که امام صادق (ع) آن را بر وی املا فرموده بنگر که درباره آثار و پدیده‌هایی است که خداوند آفریده است. و نیز کتاب اهللیجة را بخوان که کتاب بس پرارزشی است.

اما در فهرست ابن ندیم آمده است: نویسنده کتاب اهللیجة معلوم نیست و گویند آن را امام صادق (ع) نوشته است اما این محال است. اما ابن ندیم درباره علت محال بودن این امر هیچ دلیلی نیاورده است.

5 - کتاب مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة که منسوب به امام صادق (ع) است. این کتاب همراه با کتاب جامع الاخبار چاپ شده است. اما مجلسی در مقدمه بحار درباره آن گفته است: در این کتاب مطالبی آمده که خواننده خردمند و مطلع را با تردید مواجه می‌کند. اسلوب این کتاب شبیه دیگر سخنان و آثار ائمه (ع) نیست و الله یعلم. مؤلف کتاب وسایل در پایان کتاب هدایة گوید: از جمله کتابهایی که بر ما ثابت است که قابل اعتماد نیست و از آنها نقل نکردیم کتاب مصباح الشریعة منسوب به امام صادق (ع) است. زیرا سند آن ثابت شده نیست و در آن سخنانی آمده که مخالف با تواتر است.

صاحب ریاض العلماء نیز به هنگام ذکر کتابهای مجهول و ناشناخته می‌نویسد: مصباح الشریعة در اخبار و مواظ کتابی معروف و متداول است. . . . بلکه این کتاب از تالیفات یکی از صوفیان است. اما ابن طاوس و ظاهر عبارت سید علی بن طاوس در کتاب امان الاحظار نشان می‌دهد که وی بر این کتاب اعتماد داشته است. زیرا در آنجا می‌گوید: از جمله کتابهایی که باید با مسافر همراه باشد کتاب اهللیجة است. این کتاب حاوی مناظره امام صادق (ع) با طبیبی هندی است که درباره شناخت خداوند جل جلاله به طرز عجیب و بدیهی استدلال شده به طوری که آن طبیب هندی پس از این مناظره به الوهیت و یگانگی خداوند اقرار کرده است. همچنین کتاب مفضل بن عمر که از امام صادق (ع) روایت کرده و در زمینه وجوه حکمت در خلقت گیتی و آشکار کردن اسرار آن است، باید همراه مسافر باشد. این کتاب در نوع خود بسیار شگفت‌آور است. و نیز کتاب مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة از امام صادق (ع) باید با مسافر باشد. این کتاب درباره سلوک به سوی خداوند و توجه به او و دستیابی به اسراری که در آن نهفته است، بس لطیف و گرانقدر است.

کفعمی در مجموع الغرائب روایات بسیاری را با لفظ قال الصادق از مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة نقل کرده است. شهید ثانی در کشف الریبة و نیز در منیة المرید و مسکن الفواد و اسرار الصلاة روایاتی از مصباح الشریعة نقل کرده و آنها را قاطعانه به امام صادق (ع) نسبت داده و در پایان برخی از آنها آورده است: آنچه گفته شد تماما از کلام امام صادق (ع) بود. سید حسین قزوینی در کتاب جامع الشرایع، به هنگام ذکر مآخذ کتاب، گوید: مصباح الشریعة به شهادت شارح فاضل شهید ثانی و سید بن طاوس و مولانا محسن کاشانی و عده‌ای دیگر منسوب به امام صادق (ع) است. بنابراین، پس از تأیید اینان جایی برای تشکیک و تردید در این کتاب باقی نمی‌ماند.

6 - رساله آن حضرت خطاب به یارانش. کلینی این رساله را در آغاز روضة کافی به سند خود از اسماعیل بن جابر از ابو عبد الله (ع) نقل کرده است: امام صادق (ع) این رساله را برای اصحاب خود مرقوم داشت و به آنها دستور داد که آن را به یکدیگر درس دهند و در آن نظر کنند و آن را فراموش نکنند و بدان عمل کنند. اصحاب نیز این رساله را در جایگاه عبادت خود در خانه‌هاشان گذارده بودند و چون از کار فراغ می‌یافتند آن را می‌خواندند.

کلینی در همان کتاب به سند خود از اسماعیل بن مخلص سراج نقل کرده که گفت: این نامه از طرف امام صادق (ع) خطاب به اصحابش ابلاغ گردید، آغاز این نامه چنین است: «بسم الله الرحمن الرحیم. اما بعد، از پروردگارتان عافیت طلب کنی«را. آنگاه تمام نامه را ذکر کرده است. همچنین قسمتی از آغاز این نامه در تحف العقول تحت عنوان رساله امام به گروهی از پیروان و یارانش، ذکر شده است.

7 - رساله امام به پیروان شیوه رای و قیاس.

8 - رساله آن حضرت درباره غنایم و وجوب خمس در آنها. در تحف العقول این قسمت و تا بخش شانزدهم از این رساله، نقل شده است.

9 - سفارش امام صادق (ع) به عبد الله بن جندب.

10 - سفارش آن حضرت به ابو جعفر محمد بن نعمان احول.

11 - رساله‌ای که برخی از شیعیان آن را نثر الدرر نامیده‌اند.

12 - سخنان آن حضرت در وصف محبت اهل بیت و توحید و ایمان و اسلام و کفر و فسق.

13 - رساله آن حضرت درباره وجوه معیشت و کسب و کار بندگان و وجوه اخراج اموال.

امام (ع) این نامه را در پاسخ کسی که از وی درباره جهات معیشت‌بندگان که در آنها کسب و کار و معامله بین یکدیگر انجام می‌دهند و نیز وجوه نفقات پرسیده بود، نوشت.

14 - رساله آن حضرت در احتجاج بر صوفیه که آن حضرت را از طلب رزق و روزی نهی می‌کردند.

15 - گفتار آن حضرت درباره خلقت انسان و ترکیب او.

16 - کلمات قصار آن حضرت. ما برگزیده‌ای از این سخنان را که در تحف العقول نقل شده، در بخش حکم و آداب آن حضرت ذکر خواهیم کرد. در این باره، کتابهای دیگری از امام

صادق (ع) موجود است که اصحاب آن حضرت بر اساس آنچه که از وی روایت شده، گرد آورده‌اند. از این رو منتسب ساختن کتب مزبور به امام صادق (ع) صحیح به نظر می‌رسد.

چرا که املا خود یکی از طرق تالیف است. نجاشی در کتاب خود، نام پنج کتاب از این قبیل را یاد می‌کند و نحوه دستیابی خود را بدانها تذکر می‌دهد. البته بعید نیست که برخی از کتابهایی که نجاشی نام برده با آنچه قبلاً یاد شد، تداخل پیدا کند. این کتابها عبارتند از: الف: نسخه‌ای که نجاشی به هنگام ذکر زندگانی محمد بن میمون زعفرانی از آن یاد کرده است. وی درباره محمد بن میمون گوید: او از اهل سنت است و فقط يك روایت از امام صادق (ع) نقل کرده است.

ب. روایتی که فضیل بن عیاض از امام صادق (ع) نقل کرده است. نجاشی در شرح زندگانی فضیل گوید: او از مردم بصره و از ثقات اهل سنت بود و از امام صادق (ع) يك روایت نقل کرده است.

ج. نسخه‌ای که عبد الله بن ابی اویس بن مالک بن عامر اصبحی همپیمان بنی تمیم بن مرة بن ابو اویس، از آن حضرت نقل کرده است. نجاشی درباره او گوید: او نسخه‌ای از امام جعفر بن محمد (ع) روایت کرده است.

د. نسخه‌ای که ابراهیم بن رجا شیبانی نقل کرده است. نجاشی گوید: وی از امام جعفر صادق (ع) نسخه‌ای روایت کرده است.

ه. نسخه‌ای که سفیان بن عیینة بن ابی عمران هلالی نقل کرده است. نجاشی گوید: او نسخه‌ای از امام جعفر بن محمد روایت کرده است.

و. کتابی که جعفر بن بشیر بجلی روایت کرده است. شیخ طوسی در الفهرست گوید: جعفر کتابی دارد که منسوب به امام صادق (ع) به روایت علی بن موسی الرضا (ع) می‌باشد.

ز. مجموعه رسایل آن حضرت که جابر بن حیان کوفی آن را روایت کرده است. یافعی در کتاب مرآة الجنان گوید: امام صادق (ع) در علوم یکتاشناسی و غیر آن سخنان ارزشمندی دارد. و شاگرد او، جابر بن حیان، کتابی در هزار برگ تالیف کرده که رسایل آن حضرت را که حدود پانصد رساله است، در برمی‌گیرد.

نگارنده: هیچیک از بزرگان شیعه، که درباره رجال شیعه و اصحاب ائمه کتابها نوشته‌اند مانند شیخ طوسی و نجاشی و معاصران و پیشینیان و متاخران از آنها، درباره اینکه جابر بن حیان از شاگردان یا اصحاب امام صادق (ع) بوده است، سخنی نگفته‌اند. حال آنکه اینان در مذهب خود از دیگران آگاهتر هستند. البته در فهرست ابن ندیم گفته شده است: شیعیان گویند که جابر بن حیان یکی از بزرگان شیعه و ابواب آنان بوده است. ابن ندیم در ادامه گوید: 171#& شیعیان گمان می‌کنند که جابر از اصحاب امام صادق (ع) بوده است. . . و سپس گفته است: جابر کتابهایی در مذاهب شیعه دارد که آنها را در جای خود یاد خواهم کرد. البته تفصیل مطلب به هنگام شرح زندگانی جابر نقل خواهد شد. این مطلبی بود که ما در آغاز آن را نوشته بودیم، اما بعداً بر ما ثابت شد که جابر بن حیان در زمره شاگردان امام صادق (ع) جای داشته است.

ک. تقسیم الرؤیا، در کشف الظنون است که تقسیم الرؤیا از تالیفات امام جعفر صادق (ع) است. در الذریعة آمده است که ما سندی مبنی بر این که این کتاب به کس دیگری جز امام صادق (ع) منسوب باشد پیدا نکردیم. اما ظاهراً می‌توان گفت که این کتاب تالیف یکی از شیعیان به استناد روایات امام صادق (ع) است.

آنچه گفته شد مربوط به کتابهایی بود که تا کنون تدوین گردیده و به نامهای خاصی شناخته شده است. وگرنه آنچه دانشمندان از آن حضرت در شاخه‌های گوناگون علمی همچون کلام و توحید و سایر اصول دین و فقه و اصول فقه و طب و مناظره و حکمت و موعظه و آداب و غیره نقل کردند، آن چنان فراوان و بسیار است که نمی‌توان آنها را برشمرد. و برای آگاهی از آنها باید به کتابهای حدیثی که متکفل جمع‌آوری سخنان آن حضرت شده‌اند، رجوع کرد.

کتاب: سیره معصومان، ج 5، ص 77

نویسنده: سید محسن امین

ترجمه: علی حجتی کرمانی